



کتاب خارجی



روزنامه نگاری پس از یازدهم سپتامبر

○ اسماعیل قدیمی

○ باربی زیلرز و استوارت آلن
○ روزنامه نگاری پس از ۱۱ سپتامبر
○ لندن: راتلج، ۲۰۰۲، ۲۸۸ ص (Routledge)

کتاب روزنامه نگاری پس از یازدهم سپتامبر که در سال ۲۰۰۱ توسط انتشارات راتلج به چاپ رسیده و در سال ۲۰۰۲ تجدید چاپ شده است، توسط شانزده پژوهشگر و نویسنده صاحب نام در ارتباطات اجتماعی و روزنامه نگاری، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی نوشته شده و وسیله باربی زیلرز و استوارت آلن تدوین و ویرایش شده است. این کتاب با پیشگفتار ویکتور ناواسکی و مقدمه‌ی تدوینگران آغاز می‌شود.

این کتاب حاوی موضوعات و مسائل زیادی درباره‌ی تروریسم و تروریست‌ها، اسامه بن لادن و القاعده، شهردار نیویورک، بنیادگرایی اسلامی، معماری مرکز تجارت جهانی،





این کتاب حاوی موضوعات و مسائل
زیادی درباره‌ی تروریسم و
تروریست‌ها، اسامه بن لادن و القاعده،
شهردار نیویورک، بنیادگرایی اسلامی،
معماری مرکز تجارت جهانی، امنیت
فرودگاه، موقعیت کارگزارهای امنیتی و
اطلاعاتی، اقدامات جورج بوش درباره
اصطلاح جنگ بر علیه تروریسم،
تعارض بر سر توازن میان ضمانت‌های
نهادی و قانونی برای آزادی مدنی و
ضرورت‌های امنیت ملی، تاثیر شوک
عاطفی بر جامعه مدنی، ظرفیت و
آستانه‌ی تحمل آمریکاییان در مقابله با
یک فاجعه و دیگر وابستگی‌های بشری
ملی و بین‌المللی است

چی روزن چگونه حمله‌ی تروریست‌ها را به شهر نیویورک، که در آن جهان ذهنی روزنامه‌نگاری آمریکایی فرو می‌ریزد، شرح می‌دهد. آنها با تروریست‌های ریشه‌های نازک و ضعیف تفکر حرفه‌ای را که قبلاً به عنوان تناقض روزنامه‌نگاری خود تصور، مورد نقد قرار می‌گرفت، برملا کردند. همچنین این چالش را، که تحمل سلیم مستقر در اطاق‌های خبر آمریکایی قادر به انجام رسالت مورد ادعای دموکراسی غربی نیست، به مرکز مباحثه کشانده و در زمره‌ی سایر تغییرات، مرگ فرض جدامانی را به عنوان یک اخلاق راهنمای مطبوعات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، اعلام کردند.

مایکل سؤدسون در «امور غیر عادی درباره پوشش معمول مسایل سیاسی» بحث می‌کند که روزنامه نگاری پس از یازده سپتامبر تقریباً به صورت بلادرنگ و ناخودآگاه دچار تحول شد و به قول دانیل‌ها این از «قلمرو مناقشه مشروع» به «قلمرو اجماع» نقل مکان کرد. نیز اطلاعات به نثر همبستگی تبدیل

امنیت فرودگاه، موقعیت کارگزارهای امنیتی و اطلاعاتی، اقدامات جورج بوش درباره اصطلاح جنگ بر علیه تروریسم، تعارض بر سر توازن میان ضمانت‌های نهادی و قانونی برای آزادی مدنی و ضرورت‌های امنیت ملی، تاثیر شوک عاطفی بر جامعه مدنی، ظرفیت و آستانه‌ی تحمل آمریکاییان در مقابله با یک فاجعه و دیگر وابستگی‌های بشری ملی و بین‌المللی است. اما این امور چه نهفته‌هایی در خصوص خود روزنامه نگاری دارد؟ نویسندگان تلاش می‌کنند تا به این سوال و سوالات با اهمیت دیگر نظیر آن پاسخ دهند. این موضوعات از آن رو اهمیت دارند که جریان اخبار، اطلاعات و ایده‌ها را در کشورهای دارای نظام دموکراسی شکل می‌دهند.

بخش اول - شوک عاطفی ۱۱ سپتامبر

این بخش با ردیابی پوشش فوری حادثه آغاز می‌شود. در مقاله‌ی «یازده سپتامبر در ذهنیت روزنامه‌نگاری آمریکایی»،

شد و روزنامه نگاران دریافتند که به جای یگانگی با مخاطبان نسبت به آنها دچار بیگانگی شده‌اند.

با این وجود برخی از نهادهای خبری یکی دو هفته پس از حادثه تلاش کردند. سبک معمول را در انتشار اخبار سیاسی دنبال کنند. نگاه دقیق کلودشودسون به پوشش خبری نیویورک تایمز از ۱۱ سپتامبر نشان می‌دهد که نویسنده‌ای به نام مایور جیو لیوانی عامل بازگشت به پوشش خبری پیشین بوده که مشخصه‌ی بارزش انتقاد و طرح دیدگاه‌های مخالف است، در این نوع گزارش از شواهد متفاوت و تنازع‌آمیز بهره‌گیری می‌شود. از نظر شودسون در حالی که در دوران پس از ۱۱ سپتامبر روزنامه نگاری همبستگی حاکم شده. پوشش امور سیاسی به صورت معمول باعث تنفس هوای تازه، طرح دیدگاه‌های مختلف و مباحث مجادله‌آمیز گردیده و باید همچنان ادامه یابد.

باربی زیلرز در بخش «عکاسی، روزنامه‌نگاری و شوک عاطفی» بحث می‌کند که در دوران شوک عاطفی عکسبرداری به جمعیت و گروه‌های مختلف کمک می‌کند که در یک فضای پس از شوک بر شرایط ایجاد شده، غلبه کند. او تحمل دیدن را در دوره شوک عاطفی در روزنامه نگاری حائز اهمیت می‌داند او عکسبرداری را دارای فضای مرکزی‌تر نسبت به دوره‌های دیگر می‌داند که در امر مستندسازی نقشی کلیدی ایفا می‌کند. او همچنین معتقد است عکسها در این دوره برای نشان دادن واقعیات مورد استفاده قرار نگرفتند بلکه برای بسیج همگانی برای جنگ و تقویت دیدگاه‌های نظامی‌گری بکار گرفته شدند. همچنین کارکرد عکس در عین حال که به عنوان یک سبک در تشریح و گزارش رویداد مطرح بود، به عنوان ابزاری برای حمایت از عملکرد دولت بوش و شکل بندی ساختار خبر در دوران بحران و وضعیت غیر عادی قابل توجه بود.

بخش دوم - اخبار و زمینه‌های اجتماعی شکل‌گیری آن

در این فصل پیوندهای میان روزنامه‌نگاری و عوالم سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. در «روزنامه نگاری آمریکایی، پیش و پس از ۱۱ سپتامبر»، جیمز کری یک دیدگاه تاریخ را برای شرح پوشش خبری روزنامه نگاری از رویدادهای سخت، ارائه می‌دهد.

او بحث می‌کند که به منظور درک روزنامه نگاری پس از فاجعه ۲۰۰۱ فرد باید دست کم دو رویداد تعیین کننده در زندگی مطبوعات آمریکا را که در طول دهه‌ی ۱۹۷۰ - واترگیت و افشای اسناد پنتاگون رخ داده‌اند، در نظر بگیرد. این نقاط عطف در سنت روزنامه نگاری مستقل و معارضه جوی آمریکایی از چنان اهمیتی برخوردار بودند که سنتهای پیشین

را کنار زدند. روزنامه نگاری جدید از نظر کری خواهان طرح مطالب بی‌ارزش، خود مجذوب و معتقد به ناچیز شماری شهروندان است. از نظر او از سال ۱۹۸۸ یک لشگرکشی سیاسی نامربوط توسط روزنامه‌های در حال انجام است. او هشدار می‌دهد که هر چه انسان خوشبین باشد باز باید نگران آسیب‌هایی باشد که نهادهای سیاسی دموکراتیک طی ۱۵ سال گذشته از طریق روزنامه نگاری بی تفاوت نسبت به سیاست، عقلانیت و فضای عمومی تحمل کرده‌اند. او شک دارد که بهبود و بازسازی هر دو نهاد (سیاسی و مطبوعات) بتواند در یک دوره‌ی کوتاه صورت گیرد. بلکه حداقل یک شوک برای روزنامه نگاران ضرورت دارد و روزنامه نگاران باید بدانند که برای نهادهای دموکراتیک ضمانت اجرایی وجود ندارد و آنها بسیار شکننده‌اند و به سادگی می‌توانند توسط سیاستمداران به انحراف کشیده شوند. رابرت مک چسپی در مقاله‌ی «یازده سپتامبر و محدودیت‌های ساختاری روزنامه نگاری ایالات متحده» روزنامه‌نگاری را به محیط سیاسی و اقتصادی وسیع‌تر در جامعه ربط می‌دهد. او بحث می‌کند که پوشش رسانه‌های خبری از بحران سیاسی بوجود آمده‌ی پس از ۱۱ سپتامبر به صورت بارز از چشم انداز دموکراتیک دارای مشکل بود. این پوشش به سمت تقلید از کاخ سفید و بیان طوطی‌وار مطالب از زبان مقالات رسمی کشیده شده و انتقاد، از آن گرفته شده بود. مک چسپی استدلال می‌کند که علت اصلی فقر پوشش اخبار، قانون روزنامه نگاری حرفه‌ای است که به «منابع رسمی» اجازه نفوذ فوق العاده می‌دهد. او همچنین معتقد است که ریشه‌های روزنامه نگاری حرفه‌ای در عصر پیشرفت تکنولوژیک بوجود آمده و سپس به تمرکز بازار روزنامه‌ها و حاکمیت انحصارها انجامیده و روزنامه‌نگاری ضد دموکراتیک امروزی را که در پوشش خبری «انتخاب» بوش به ریاست جمهوری نمود بارز دارد، تشکیل داده است. مک چسپی معتقد است که موج اخیر همبستگی شرکتی پوشش ۱۱ سپتامبر را تحت تاثیر قرار داده است و در نتیجه، مردم ایالات متحده درباره‌ی جهان دچار بی‌اطلاعی می‌شوند و امکان دستکاری مطالب و گزارش رویدادها، توسط نخبگان فراهم می‌شود. بسیاری از شرکت‌های رسانه‌ای که با «جنگ جدید آمریکا» همراه هستند. در جستجوی مقررات زدایی از قوانین محدود کننده‌ی مالکیت هستند تا امکان سود بیشتر آنها را فراهم کند. در «درک روزنامه نگاری» خطر اسلام به عنوان یک ابزار فرهنگی که توسط نویسندگانی مسلمان به نام کریم تدوین شده، این سبک روزنامه نگاری به نفوذهای فرهنگی معارضه‌آمیز نسبت داده شده و نشان داده می‌شود که چگونه از این نوع روزنامه‌نگاری به عنوان یک ابزار فرهنگی بر علیه کشورهای اسلامی استفاده می‌شود.

در اینجا این بحث مطرح است که با وجود آنکه فاجعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ یک حادثه‌ی فوق‌العاده بود، اما گزارشگری آن، همچنان به صورت روزمره، در قالبهای فرهنگی صورت گرفت که مدت‌های مدیدی است اسلام، تروریسم و خشونت آن را به هم مربوط می‌سازد. کانون توجهات روزنامه نگاری روزهای پس از ۱۱ سپتامبر واکنش‌های فوری به این حادثه بود و نه بررسی علل و عوامل اصلی این نوع تهاجمات و خشونت‌های ساختاری در جامعه‌ی جهانی.

در حالی که جستجوی «تروریست‌های مسلمان» آغاز می‌شود و رسانه‌ها برای تأمین درک جامع و معتبر از این رویداد و سرشت اسلام شکست می‌خورند، روزنامه نگاران عموماً قالب توصیف قطبی شده‌ی دولت بوش را منعکس می‌سازد و در مقابله شیطان با فرشتگان! مسئولیت مهم رسانه‌ها را در بی‌طرفی گزارش رویدادها به بوت‌ه فراموشی می‌سپارند. مسئولیت مهم شکست رسانه‌ها در تأمین و تهیه‌ی پوشش اطلاعاتی از جوامع اسلامی از نظر نویسنده متوجه خود کشورهای اسلامی است که اغلب اوقات مبهوت تصاویر رسانه‌ای متغیر و خوش نقش نمای غرب هستند و همواره نسبت به نگاه خیره‌ی مهاجم رسانه‌ای ضعیف عمل می‌کنند. البته در این میان چند روزنامه نگار غربی که تفاسیر واقعی را درباره‌ی مسلمان تهیه می‌کنند معمولاً زیر سایه‌ی اکثریت روزنامه نگاران که در قالب‌های متعصبانه خبر تهیه می‌کنند، کم فروغ به نظر می‌رسند. بازشناسی سرشت اساساً فرهنگی روزنامه نگاری، روزنامه نگاران را قادر می‌سازد که ابزارهای فرهنگی را آشکار کنند و آن را برای درک بهتر و ایجاد بصیرت نسبت به سرشت انسان و جامعه و روابط بین‌المللی بکار ببرند. از نظر نویسنده پیامدهای نامطلوب رویداد یازده سپتامبر فرصتی طولانی را برای عطف توجه به پوشش اصیل‌تر و واقعی‌تر از جهان فراهم می‌سازد.

فصل سوم - تغییر مرزهای روزنامه نگاری

این بخش به اشکال و شیوه‌های حاشیه‌ای روزنامه نگاری اختصاص یافته است. استوارت آلن مقاله خود را در موج جدید اینترنت، اخبار اینترنتی، ۱۱ سپتامبر و چند موضوع اضطراری مرتبط با گزارش اینترنتی آن روز، بررسی می‌کند. بر اساس ارزیابی شکل و محتوی پوشش خبری سایت‌های اینترنتی، او دریافت‌های تنازع‌آمیز آن را با ملاحظه‌ی مزایا و محدودیت‌های نسبی‌اش به ویژه در مقایسه با تلویزیون، مشاهده می‌کند. آلن در مقاله‌ی خود به فشار فوق‌العاده و فزاینده‌ی تقاضاهای کاربران و ناتوانی سایت‌های خبری در تأمین نیازهای خبری آنان اشاره کرده و استراتژی‌های اتخاذ شده در جهت حل این مشکل را تشریح می‌کند. حتی ورود سایت‌های غیر خبری نیز

نتوانست عطش کاربران را به خبرهای تازه و روزآمد برآورد و آنها را سیراب کند. از نظر او مصنوع جالب تبدیل مردم عادی در شبکه‌ی رایانه‌ای به روزنامه‌نگاران غیر حرفه‌ای بود که می‌تواند در روزنامه‌نگاری امروز مورد بحث قرار گیرد.

الیزابت برد در «برداشت شخصی، سوپر مارکت تبلویدها پس از ۱۱ سپتامبر» در تحقیق خود بر روی تبلویدها در ایالات متحده سنت لوئیس تبلویدها را در چشم انداز روزنامه نگاری ۱۱ سپتامبر با عالم روزنامه نگاری مورد مذاقه و کنکاش قرار می‌دهد. در این بخش او نشان می‌دهد که این نوع روزنامه‌ها مثل شرکای تلویزیونی خود و روزنامه‌نگاری شهرت‌گرا پس از مدتها نادیده گرفتن امور سیاسی، از یک حادثه فاجعه‌آمیز بهره برداری کرده وارد عرصه‌ی سیاسی می‌شوند. اما هم‌چنان بر جنبه‌های شخصی حادثه تکیه می‌کنند. دیونمایی بن لادن، افتخارات قهرمانان نیویورک و امثالهم محتوی این پوشش خبری سیاسی را در بر می‌گیرد. نویسنده در پایان مقاله نتیجه می‌گیرد و هشدار می‌دهد که روزنامه نگاری اصلی امروزین به فرم و محتوی روزنامه‌های «نوع» تبلوید نزدیک می‌شوند.

قسمت چهارم و پایانی - گزارش شوک عاطفی فردا

در بخش پایانی برخی از تنش‌ها و مشکلات جاری در پوشش امروزین حوادث دارای تبعات شدید و شوک عاطفی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. نویسندگان در این بخش رویدادها را فارغ از نگرانی برای پیش بینی حوادث مشابه در آینده، تبیین علل و عوامل این حوادث و مدیریت بهتر شوک عاطفی فردا مورد انتقاد قرار دهند. در «روزنامه نگاری، مخاطرات و میهن‌پرستی گرای» سیلوید و بسپورد می‌کوشد نشان دهد که روزنامه نگاری ایالات متحده دچار ضعف تجهیزاتی از نظر نرم‌افزاری است و نمی‌تواند به نیازهای دموکراسی در یک جامعه پرخطر جهانی خدمت کند.

میل وافر روزنامه نگاری آمریکایی به احساسی‌گرایی و اخبار جنجالی، ناتوانی در گفت و گو درباره‌ی خطرات ساختاری بدون اولویت دادن به «ضربه‌های خبری» و چاپلوسی برای منابع رسمی به سختی می‌تواند برای شهروندانی که در مقابل خطرات تروریستی، بیوتروریسم، سلاح‌های شیمیایی و هسته‌ای قرار گرفته‌اند، مفید باشد. طعنه‌های کلاسیک که ماموریت سیاسی روزنامه نگاری را تعیین می‌کند نمی‌تواند به مخاطبان مسئولیت اجتماعی داشتن بسیار انتزاعی‌اند و نمی‌توانند نقشه‌ی راهی برای روزنامه نگاری فراهم کنند. نویسنده همچنین به مباحثات مربوط به جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی توجه کرده و شکل‌گیری «ما» را در مقابل «دیگران» در غرب با رویکرد روزنامه نگاران مورد نقد قرار دهد.